

## دیوار کوتاه تر از دیوار خدا نیافتند!

در حدود یک هفته پیش، بعد از یک حمله خونین طالبان به شهر کندز، مناطقی از این شهر به تصرف این گروهی بی معرفت، شرارت پیشه و خونریز درآمد. گروه طالبان که به هدایت سازمان استخبارات نظامی پاکستان با نهایت بیشرمی برای پبیشرد مقاصد یک مشیت جنرال و سیاستمدار ماجراجو و یک تعداد حلقه های مذهبی قشری مسلک پاکستانی و چند نفر عربی از خدا بی خبر سلاح به دست گرفته و با جنگ و انتحار و انفجار و سنگسار و گردن بریدن و شیوه های بسیار وحشیانه دیگر خون هموطنان ما را می ریزند و ملک ما را به ویرانه تبدیل می کنند و می خواهند افغانستان را به ایالت پنجم پاکستان و مرکز تروریست پروری در جهان تبدیل کنند، با جنگی که تا همین امروز در شهر کندز ادامه دارد صد ها هموطن بی گناه ما، اعم از خرد و بزرگ و زن و مرد و پیر و جوان را، منجمله تعدادی از سربازان شرافتمند و شجاع و وطن پرست ما را به قتل رسانیده اند - باتأسف عمیق و با اندوه بی پایان. روح همه شان شاد!

تصرف شهر پرجمعیت و بزرگی مانند کندز توسط گروه های "ایله جار" و وحشی و از مدنیت بی خبر و مزدور طالب، که اصلاً از فضیلت و ارزش انسان و آزادی و افغانیت و حب خاک و حفظ میراث نیکان با شهامت و باسرافت خویش بی خبر است، بخصوص با جنگی کوچک به کوچک و خانه به خانه، باید تلفات سنگینی را به همراه داشته باشد. با چنین جنگی بدون تردید کندز بار دیگر در خون فرو رفته است!

دیروز دوستی پاره ای از مصاحبه والی کندز را در فیس بوک خود انداخته بود، که واقعاً سبب حیرت من شد. این والی کرزی صفت، قرار این مصاحبه ویدئویی گناه قتل هائی بی شمار مردم کندز توسط طالبان را به گردن خدا انداخته در جواب پرسشی یک خبرنگار می گوید:

"این فرمانی ست که از طرف پروردگار صادر می شود. به مرمی تعلق ندارد؛ ما مسلمان هستیم و هر وقتی که فرمان پروردگار صادر شد، اگر در صندوق آهنی هم باشند، کشته می شوند. کسی که کشته می شود، فرمان از جانب الله صادر شده است، در غیر فرمان الله، نه توپ، نه تانک و نه طیاره کاری کرده نمی تواند."

معنی این سخنان این است که ما که تفنگ و ماشیندار و هاوان و راکت انداز و توپ و زره دار و تانک و طیاره و عساکر تا دندان مسلح و مجهز داریم، اما اگر نمی توانیم جلو طالب را بگیریم و اگر نمی توانیم با همه توپ و تانک و طیاره و یک عالم عسکر مجهز از شهر و از مردم دفاع کنیم، برای این است که خدا آن را نخواسته است. ما مسلمان هستیم، به این امر اعتقاد داریم که همه چیز در دست خداست و هیچ چیز بدون مشیت خدا صورت نمی پذیرد. قتل این همه انسان، از آن میان قتل این اطفال:



و صد ها طفل شیرخوار و معصوم دیگر، مانند این ها و دیگران، و آواره شدن هزار ها انسان از شهر کندز به بغلان و مزار و خان آباد، حتی به کابل و... خواست خداست؟!

این والی مزخرف، کوفته فکر و مرتجع کندز، و آنانی که از افکار سخیف چنین انسان ها، به نام شریعتمداران دفاع می کنند، اما نمی گویند که چرا باید خدا چنین تمایلات افراط گرایانه، مدهش، حیرت انگیز، منزجر کننده و جنون آمیزی داشته باشد!

آیا مرگ هزار ها طفل بی گناه که هنوز نمی دانند دین و دینداری چیست، که هستند و چه باید بکنند یا چه باید نکنند، رنج مادران شان، علیل و معیوب گشتن صد ها و هزار ها انسان و صد ها مصیبت دیگر ناشی از جنگ، واقعاً خواست خداست؟ برای چه؟ آیا چنین خدائی می تواند خدا و قابل پرستش باشد؟

در سراسر جهان، در عراق، در سوریه، در یمن، در فلسطین، در کشمیر، در سودان، در نایجریا، در سومالیا و در افغانستان، مانند مرگ اطفال کندز هزاران طفل و نیمچه جوان و جوان و زن مرد به دست طالب نما ها به خاک و خون کشیده می شوند. به چه دلیل باید خدا مایل به چنین وحشت و قساوتی باشد؟ آیا چنین سفاکی ها و چنین عقل باختگی ها سبب خوشی و انبساط خاطر خدا می گردد، که خدا خواهان آن است؟ منظور و هدف خدا از این وحشت آفرینی چیست؟ اگر قهر خدا به دلیل مسلمانی و نامسلمانی باشد، زیرا تمام جنگ ها و تمام ویرانی ها و کشتار ها در حال حاضر در کشور های اسلامی رخ می دهد، همه میدانیم که نامسلمان تر از طالب و گروه های داعش و بوکوحرام و جبهه النصر و انصار الشریعه و الشباب و القاعده و شبکه حقانی و سپاه صحابه و لشکر جهنگوی و لشکر طیبیه و جیش محمد و تحریک نفاذ شریعت محمدی و...، در تمام کشور های جهان وجود ندارد. آنقدر اماکن مقدسه مسلمانان را که این گروه ها ویران کرده اند و آنقدر قران را که این ها سوزانده و یا پاره نموده اند، شاید هیچ مسلمانی در طول تاریخ اسلام و مسلمانان به آن اندازه سبب تخریب مسجد و زیارت و... و باعث سوزاندن کتاب های مقدس در جوامع اسلامی نشده باشد! جواب همه این سؤال ها پیرامون تمام چرا ها تنها یک کلمه است؛ و آن کلمه "نه" است!!

خدا خواهان چنین چیزی نیست. اصلاً خدا خواهان هیچ عمل زشت و ناپسند و ظالمانه نیست. خدا آن نیست که ادیان آن را معرفی می کنند؛ تشنه به خون! خدائی که از بوی گوشت سوخته انسان مشامش تازه شود، خدائی که صد ها هزار بار، شاید هم میلیون ها و میلیارد ها بار یک انسان را می سوزاند، دو باره بهبود می بخشد و باز می سوزاند و... و صد ها هزار انسانی نا کرده گناه به خواست او کشته شوند، یا مدرسه هائی را به وجود بیاورد که در آن ها تنها و تنها ماشین های آدم کشی با ایدئولوژی خدائی (!) تولید شوند، نمی تواند خدا انسان های با منطق و خردگرا باشد؟

آیا سخنانی که طالب، و گروه های تروریستی طالب مانند، که به نام خدا خون می ریزند و شهرها را ویران می کنند و بارزش ترین آثار فرهنگی - تاریخی کشور های دارای مدنیت کهن را از بین میبرند، می زنند، و خواب و آرام میلیون ها انسان را مختل می کنند، و می گویند: "افکار ما افکار الهی ست!"، از نظر کسانی که به تفکر سیستماتیک و خردمندانه عادت کرده اند و همه چیز را در روشنی همین تفکر می سنجند، می تواند درست باشد؟

بدون شک چنین تفکر و اعتقادی نمی تواند درست باشد! والی بی کفایت تر از رئیس جمهور غنی، که بی کفایتی اش را تعیین والی های مانند والی کندز و ده ها وزیر و مشاور و رئیس محرز ساخته است، امر و خواست خدا را تنها برای توجیه بی کفایتی خود، بی کفایتی جنرالان اردو و در کل بی کفایتی رئیسش عنوان می کند؟

منطق والی کندز، که باید منطق اشرف غنی نیز باشد، منطقی است از سردمداران حکومت های جابر عهد دقیانوس و منطق روحانیت منحط و کهنه اندیشی که نمی خواهد، یا نمی توانند علل اصلی و اساسی مرگ و میر انسان ها را، چه طبیعی و چه در اثر حوادثی مانند جنگ و سلطه نظام های استعماری - استثماری - استبدادی - دینی بهره کشی، که با بالا کشیدن حاصل کار دیگران به کمک نیرو های امنیتی و دستگاه های قضائی وابسته به نظام باعث شیوع فقر و ناداری و به تبع آن سبب اشاعه انواع امراض مزمن ناشی از کم خوراکی و... و بالاخره مرگ های زود هنگام یا آنی می گردد، در یابند؛ یا بیان کنند.

برای نهان کردن بی کفایتی و عدم موفقیت خویش در عرصه کار و اداره و مبارزه علیه فقر، ناداری، بیکاری و محرومیت، و جنگ علیه نوکران اجنبی و دفاع از خاک و مردم، خدا، و آموزه های نامحقق و درخور تأمل دینی، بهترین بهانه ای است.

خدا می خواهد که هزاران انسان کشته شوند. تانک و توپ و تفنگ و ماشیندار و طیاره ما علیه طالب کار نمی کند، چون خواست خدا چنین است که طالب باید پیروز شود. هیچ کدام از این سلاح ها برای دفاع از شهر و مردم کارگر نیستند، زیرا خدا می خواهد شهر به دست طالبان سقوط کند و انسان های بی شماری از باشندگان این شهر

به دست طالب به قتل برسد! ما چه، که هیچ کسی نمی تواند در برابر زور و کشتار بی رحمانه طالب چیزی کند! چرا؟ چون خدا خواسته است که مردم کشته و آواره شوند و طالب به پیروزی برسد.

والی کندز و همپالگی هایش می دانند که صبر خدا عظیم و بی پایان است؛ و خدا هر چه، خوب و بد، به حسابش بریزند، خاموشی خود را برهم نمی زند و از خود به دفاع بر نمی خیزد و کار زشت کسی را که به خدا تهمت می بندد، فاش نمی کند؛ بنابراین در جامعه دینی باید برای فروکاستن خشم مردم به آموزه های دینی و به خدا متوسل شد. این کار از قرن ها در کشور ما هم به وسیله بخشی عظیمی از روحانیت مردار خوار و منحط، و هم به وسیله حاکمان بی کفایت، بی مروت و مسئولیت گریز و هم به وسیله اشرافیت درباری و زمین دار که در تیبانی با هم از خون مردم، با شکوه و تشریفات پرمصرف و پر زرق و برق عمر به سر می کردند، تا امروز، عملی شده است؛ ولی امروز چنین حرف های دور از عقل و منطق برای فریب مردم در این عصر و زمان بیشتر از این نه جایی دارد و نه ارزشی.

حضور عمرخیل ها و امرخیل ها و سیاف ها و محسنی ها و دوستم ها و حکمتیار ها و خلیلی ها و عبدالله ها و مجددی ها و گیلانی ها و کرزی ها و قانونی ها و غنی ها و ربانی ها و محقق ها و مولوی کشف ها و امثال شان در صحنه سیاست و برمسند قدرت، دلیلی بی اراده بودن مردم است، نه دلیل بی عقلی و عدم شناخت مردم از ماهیت غیرمردمی و ضدملی این افراد و یاران شان!

عامل اصلی تمام جنایات در شهر کندز طالب، دولت و حامیان طالب و دولت هستند. خدا در این کار کاری ندارد. چنین افعال و اعمال گرگ صفتانه هیچ وقت از خدا صادر نمی شود. با یقین و به طور قطع پای خداشناسی ادیان سامی و غیرسامی، آن گونه که ما می بینیم، در یک جایی خوب می لنگد؛ در غیر آن این همه جنایت و بربریت و مصیبت را که تنها انسان، و قسماً هم طبیعت، موجد و موید آن است، به گردن خدا نمی انداختند!

بنابراین از آنچه در شهر کندز - و کلاً در گوشه گوشه کشور ما - گذشته و می گذرد، این نتیجه را باید گرفت که: طالب، جنگ طلب، وحشی، بی رحم و جاهل است؛ و برای پیشبرد مقاصد پلید بیگانگان، مخصوصاً برای تأمین منافع پاکستان و عربستان سعودی و برخی دیگر از کشورهای عربی، به کشتار مردم و نابودی کشور ما برخاسته است.

- مسئولین امور، والی ها، وزیر دفاع، وزیر داخله و رئیس امنیت ملی، معاونان این ها، افرادی بی کفایتی هستند که توان دفاع از خاک و مردم در برابر مخالفین مسلح و در برابر توطئه های همسایگان و حامیان آن ها در آن ها دیده نمی شود.

- رئیس جمهور و رئیس اجرائیه قصد سرکوب جدی تحریک طالبان و دفاع از خاک و مردم و قطع جنگ و خونریزی و آشفتگی در کشور را ندارند؛ چرا اگر چنین قصدی وجود می داشت، اول کسانی را در این سمت ها می گماشتند، که خواست، اراده، توانی و قدرت سرکوب طالب و سائر مخالفان مسلح دولت و دفاع از ملک و ملت را می داشتند. و دوم، جلو طالبانی مانند کرزی و کسان دیگری را که در حکومت و در شورای ملی و سنا و در ادارات قضائی کشور وجود دارند، یا در ارتش و پلیس، می گرفتند.

کرزی با صراحت و صدای بلند بدون ترس و هراس از مردم، خواهان تجزیه کشور می گردد و بدون اندکی تشویش اعلان می کند که **من از وقت طالب بودم؛ شما حال متوجه شده اید؟** باز هم با آزادی کامل هم مصاحبه می دهد و هم در جلسات اشتراک و سخنرانی می کند و هم مصروف سیاست و مصروف توطئه علیه حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و موجودیت کشور می باشد.

- همه این شلختگی ها که دیده می شود، می تواند کار حامیان خارجی دولت باشد؛ زیرا همان گونه که گفته اند: "طیب بد همه را بیمار می خواهد"، شاید بیماری نفاق و قومگرانی و مزدوری که سبب همه بی نظمی ها و جنگ ها در کشور است، به همین دلیل باشد که خارجیانی که در این منطقه اهدافی دارند و حضور شان در این منطقه ضروری می نماید، دلیلی برای تداوم موجودیت شان در افغانستان داشته باشند!

